

«تأثیر فرهنگی تمدن غالب ملتها در ادامه جنگ»

مسعود قنوات^۱

ملت ایران در طول تاریخ مورد هجوم اقوام مختلفی قرار گرفته که غالباً نیز در این تهاجم‌ها مغلوب گشته و سرزمین ایران یا بخشی از آن در تصرف دشمن قرار گرفته است. از این نظر تاریخ دفاع مقدس هشت ساله در مقابل نیروهای ضد بشری صدام تکریتی نمونه منحصر به فرد و برگ زرینی بر تارک این مرز و بوم است زیرا، این اولین بار است که ملت ایران از یک چنین جنگ بزرگی با افتخار و سربلندی بیرون می‌آیند. اما همیشه این گونه نبوده است. نه این که ملت ایران ناتوان بودند، بلکه غالباً حکومت‌ها غیر مردمی و ناکارآمد بودند. علاوه بر آن حضور حاکمانه اسلام ناب محمدی نیز اساسی‌ترین محور این پیروزی بزرگ تاریخی بوده است. اما، فاتحان مکرر سرزمین ایران فقط در میدان جنگ پیروز بودند ولی در تقابل تمدن، فرهنگ و مذهب همیشه شکست خورده میدان علم و تقوای ایرانیان بوده‌اند. این اقوام در طول تاریخ آن چنان تحت تأثیر دین، مذهب و فرهنگ غنی ایرانیان قرار گرفته که در این ملت حل شده و ایرانی شده‌اند، نه فقط ایرانی شده‌اند بلکه مسلمان و گاهاً شیعه شده‌اند. این تأثیرگذاری بی نظیر در تقابل با قوم مغول، افغان، مقدونیه و اعراب از گذشته دور باقی است. اما اکنون به وضوح می‌توان این تأثیرگذاری را نزد ملت عراق نیز مشاهده کرد. آزادی خواهی، دین گرایی، و استقلال طلبی را به روشنی می‌توان نزد ملت عراق و حکومت نوپای آن دید. شاهد آن تمایل و گرایش شدید حکومت و ملت عراق به ایران در شرایط اشغال توسط ابر قدرت امریکا و متحدش انگلیس است. اما قریب سی سال است که امریکا به عنوان تهدید شماره یک در مقابل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ایستاده است و گاهاً نیز اقدامات نظامی محدودی همچون (حمله به صحرای طیس، حمله به سکوه‌های نفتی خلیج فارس، و سرنگونی هواپیمای مسافربری) داشته است.

آیا مذهب و فرهنگ ایرانیان بر چنین ابر قدرتی نیز تاثیر گذاشته است؟ آیا می توان این ادعای تاریخی را در چنین شرایطی تائید نمود؟ وجه تمایز فاحش و برجسته میان این دو تمدن، یا به نوعی نظام، را تنها در معنویت می توان یافت. یعنی آن چیزی که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران پرچم دار آن در جهان است. و این همان چیزی است که تا کنون امریکاییان هرگز بدان توجه نداشته اند.

شاهد این مدعا، دخالت امریکا در خاتمه دادن به جنگ جهانی دوم با روش غیر انسانی و دهشتناک است. آنگاه که با بمباران اتمی دو شهر بزرگ و پر جمعیت ژاپن، هیروشیما و ناگازاکی، جنگ جهانی دوم را با تسلیم ژاپن به پایان رساند و این یعنی فقدان معنویت و انسانیت!

در عصر جدید نیز رفتارهای غیر معنوی و انسانی بسیاری نزد این ابرقدرت جاه طلب مشاهده شده است. مانند، حمله به افغانستان و عراق به بهانه مقابله با تروریسم! این رفتار را می توان مترادف با حمله قوم مغول دانست. آیا همان گونه که مغولان مسلمان شدند، امریکاییان نیز از تمدن، فرهنگ و مذهب پیشرو ایرانیان تاثیر پذیرفته اند؟

آئین نامه ها و دستورالعمل های مصوب نیروهای مسلح معمولاً پس از هر جنگ تجدید نظر می شوند. این روش نزد ارتش امریکا بیش از سایر ارتش های جهان رواج دارد. بنابر این با مطالعه این آئین نامه ها و مقایسه آن با آئین نامه های گذشته می توان به تغییر دیدگاه و بینش آنان پی برد.

یکی از موارد مهم در آئین نامه های نظامی اصول جنگ است. اصول جنگ نزد ملت ها و کشورهای مختلف تفاوت های اندکی دارد. یعنی، غالباً بر یک سری اصول ثابت استوار است. اصول جنگ ارتش امریکا در گذشته شامل ۹ اصل به شرح زیر بود:

۱- هدف (Objective)

۲- آفند (Offensive)

۳- توده (تمرکز قوا) (Mass)

۴- صرفه‌جویی در قوا (Economy of Force)

۵- مانور (Maneuver)

۶- وحدت فرماندهی (Unity of Command)

۷- تامین (Security)

۸- غافلگیری (Surprise)

۹- سادگی (Simplicity)

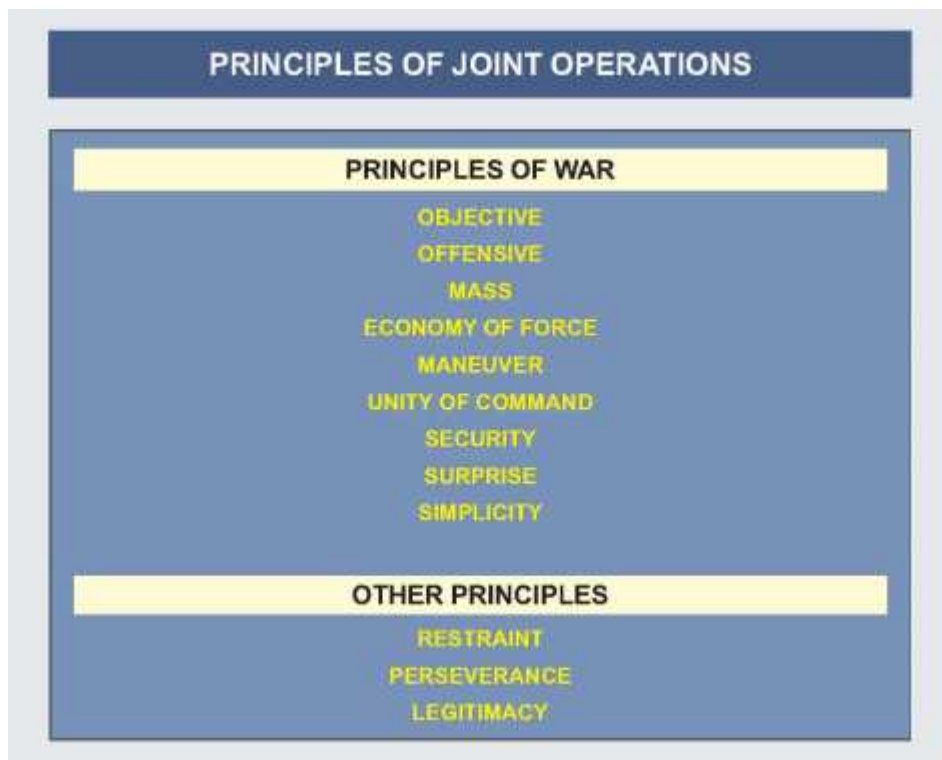
همین اصول نیز دقیقاً منطبق بر اصول جنگ فعلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. اما در طی سالیان گذشته امریکائیان در اصول جنگ خود تغییراتی را اعمال نموده‌اند. چرا؟ به طور خلاصه می‌توان گفت در آخرین آئین نامه مشترک ارتش امریکا (JP 3-0) منتشر شده در هفدهم سپتامبر^۱ ۲۰۰۶، سه اصل به اصول ۹ گانه فوق افزوده شده است. این سه اصل به شرح زیر هستند:

۱- خویشتن داری (Restraint)

۲- استقامت (Perseverance)

۳- مشروعیت (Legitimacy)

^۱- Joint Operations, 17 September 2006, Joint Publication



همان گونه که از ظاهر این سه اصل بر می آید، همگی در یک ویژگی مشترک هستند. آیا می توانید این نقطه اشتراک را حدس بزنید؟ آیا این عبارات زیبا برایتان آشنا نیست؟ آیا این مفاهیم همان شعارهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از بدو پیدایش و طول تاریخ دفاع مقدس تا کنون نبوده است؟

به واقع همین طور است. شما حق دارید، این اصول مبتنی بر یک وجه اشتراک است و آن اشتراک همان معنویت و انسانیت است. اکنون باید دید فرماندهان نیروهای امریکایی چگونه می توانند سربازان یاغی و عیاش خود را که فقط برای کسب درآمد و بازگشت به خیابان های شلوغ شهرهای امریکا و ادامه خوش گذرانی به خدمت ارتش درآمده و سختی خدمت در مناطق بسیار دور افتاده ای همچون افغانستان و عراق به جان

خریده‌اند، را به داشتن ویژگی‌های معنوی همچون خویشتن‌داری، استقامت، و مشروعیت ترغیب نمایند! با این نظام حکومتی که در غرب و به خصوص در امریکا مبتنی بر کم‌توجهی و گاه‌بی‌توجهی به دین است، چگونه می‌توان جوانان را به خویشتن‌داری در مصائب و سختی‌ها ترغیب نماید؟ برای رسیدن به کدام هدف والای انسانی آنان را وادار به استقامت نماید؟ آیا می‌تواند واژه شهادت را تا رسیدن به هدف برای آنان تعریف کند؟ مشروعیت چه؟ آیا سربازان امریکایی در عراق و افغانستان احساس حضوری مشروع دارند؟

همه این سوالات نشان می‌دهد که امریکائیان در راه رسیدن به معنویت راه بسیار دشوار و بعیدی را در پیش دارند. اما همین که به چنین تفکراتی رسیده‌اند بی‌شک تأثیر رفتار هوشمندانه و برخاسته از اسلام محمدی (ص) سیاست‌مردان و نظامیان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است.